



شیوه‌های عادت به مطالعه در کودکان

سعید غفاری^۱

چکیده: مقاله با هدف بررسی علاقه به مطالعه در کودکان و نقش آن در ایجاد عادت به مطالعه نوشته شده است. در حقیقت برای روشن شدن به سؤالات زیر می‌باشد: آیا کودکانی که مطالعه می‌کنند در بزرگسالی عادت به مطالعه را حفظ می‌کنند؟ آیا بزرگسالانی که مطالعه می‌کنند از کودکی شروع کرده‌اند؟ و همچنین انگیزه عادت به مطالعه چیست؟

کلیدواژه‌ها: انگیزه مطالعه، عادت مطالعه، کودکان

مقدمه

عمده‌ترین دلمشغولی کارشناسان تعلیم و تربیت کودکان، در دنیای امروز است (پارسا، ۱۳۶۵).

میزان مطالعه‌ای که افراد هر کشور در طی روز دارند، شاخصی از پیشرفت فرهنگی آن کشور محسوب می‌شود. در ایجاد انگیزه و کسب عادت به مطالعه عوامل بسیاری دخالت دارند. یادگیری خواندن، به یکباره صورت نمی‌گیرد، بلکه نیاز به دوره آماده‌سازی نسبتاً طولانی دارد. هال رابوبویچ درامیک شش عامل زیر را به عنوان عوامل تأثیرگذار در آمادگی برای خواندن مورد بحث قرار داده است:

۱- آمادگی جسمانی

کودکی که از نظر بهداشت عمومی در وضعیت ضعیفی قرار دارد و نیازهای او در زمینه تغذیه مناسب و استراحت برآورده نشود ممکن است در یادگیری خواندن دشواری داشته باشد.

کودکانی که از نقابص شنوایی و بینایی رنج می‌برند و یا آنهایی که تأخیر در گفتار و یا نقص جسمی دیگری دارند. قبل از مواجه شدن با روند یادگیری، به توجه ویژه نیازمندند بنابراین بهداشت عمومی ضعیف سبب غیبت‌های مکرر و طولانی از مدرسه و یا خستگی و کاهش توجه و تمرکز

اگر چه در حال حاضر مواد دیداری و شنیداری، مقام والایی در زندگی خُرد و کلان یافته، اما مطالعه و کتابخوانی همچنان به عنوان شیوه‌های اصلی یادگیری و درک دانش بشری باقی مانده است. عادت به مطالعه را باید از دوران طفولیت در شخصیت کودک بوجود آورد (هناک، ۱۳۶۸).

خواندن و مطالعه مهارت پیچیده‌ای است که در دنیای امروز، علیرغم پیشرفت‌های گسترده‌ای که در زمینه ارتباطات رایانه‌ای، انسانی و رسانه‌های جمعی شده، از اهمیت بالایی برخوردار است. با این وجود، هنوز هم مجبوریم اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق خواندن و مطالعه بدست بیاوریم. از طرف دیگر افراد در جامعه از طریق خواندن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. از این رو فرآیندهای اساسی خواندن می‌تواند در راستای برقراری بهتر این ارتباطات مؤثر باشد (هرگنهان، ۱۳۷۱).

بعضی از افراد عادت به مطالعه را کسب کرده‌اند و برخی نیز عادت به مطالعه ندارند. در بین افراد گروه دوم، سواد خواندن وجود دارد، اما مطالعه نمی‌کنند. و افرادی که مطالعه می‌کنند از آن لذت می‌برند و دنیای خود را از طریق مطالعه وسعت می‌بخشند. عادت به مطالعه همانند بسیاری از عادات دیگر در دوران کودکی شکل می‌گیرد و به همین خاطر است که آموزش مطالعه به مثابه امری سرنوشت‌ساز،

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان



می‌شود، و در نتیجه توانایی یادگیری کودک را محدود می‌سازد.

۲- آمادگی ادراک

خواندن، مستلزم ارتباط زبان نوشتاری با زبان گفتاری است. برقراری چنین ارتباطی مستلزم تشخیص و تمیز بیان حروف و صداها است. اگر چه بعضی از کودکان ممکن است بدون دشواری قادر به دیدن و شنیدن باشند اما در عین حال تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌های صداها و حروف برایشان دشواری است. بعضی کودکان نیز نیاز به تمرین، تمرکز، توجه به جزئیات و رشد مهارت در مشاهده کردن دارند.

۳- آمادگی شناختی

خواندن، روند شناختی است و عناصری چون میزان درک، قدرت حل مسئله و استدلال کردن، مستلزم قابلیت‌های هوشی و ذهنی است. به همین جهت، افراد عقب‌مانده ذهنی شدید، قادر به یادگیری خواندن نیستند. البته بهره هوشی بالا نیز به تنهایی الزاماً در این روند محسوب نمی‌شود. در اینجا لازم به ذکر است که زمانی چنین تصور می‌شد که کودکان باید به سن عقلی شش و نیم‌سالگی برسند تا بتوانند بخوانند، ولی مطالعات دیگر نشان می‌دهند که نوع آموزش به مراتب مهمتر از رسیدن به سن عقلی ویژه است. تجربیات امروزی در مورد برنامه‌های آموزش پیش از دبستان نشان می‌دهند که نوع برنامه درسی، رابطه کودک با معلم، و موقعیت خانوادگی او در دوران مدرسه، همه از جمله عوامل مهمی هستند که بر موفقیت در یادگیری خواندن کودکان و میزان آمادگی آنان اثر می‌گذراند.

۴- آمادگی زبان

کودکان پیش دبستانی معمولاً از نظر زبان شفاهی و گفتاری مهارت‌های لازم را دارند. از آنجا که اساس درک کودک از مطالب نوشته شده، در مهارت‌های زبانی نهفته است آمادگی زبان کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است. بعضی از کودکان به علت نداشتن فرصت‌های مناسب برای حرف زدن و گوش دادن، به نسبت کودکان دیگری که از این فرصت‌های

غنی برخوردارند، روان کلامی ضعیفتری دارند. اینگونه کودکان قبل از شروع آموزش‌های خواندن و ورود به روند آموزش رسمی، حتماً نیاز به فرصت‌های بیشتری در مهارت‌های کلامی، صحبت کردن و شنیدن دارند.

۵- آمادگی عاطفی

آمادگی و رشد عاطفی کودکان در یادگیری به همان نسبت سلامت فیزیکی و رشد شناختی حائز اهمیت است. کودکان ممکن است از نظر قابلیت‌های زبانی، آمادگی ذهنی و توانایی جسمی، مساعد باشند ولی در عین حال از نظر خواندن و پذیرش تکالیف مربوط به خواندن دارای مشکل باشند. چگونگی احساس کودکان نسبت به خود، مدرسه و دیگران در توانایی یادگیری خواندن آنها تأثیر بسزایی دارد.

بهرحال مشکلات عاطفی ممکن است علی‌رغم وجود بسیاری از عوامل دیگر، آمادگی خواندن و یادگیری او را محدود و ضعیف سازد.

۶- آمادگی محیطی - تجربی

برای اینکه کودکان معنی خواندنی‌ها را دریابند، نیاز به تجربه در رابطه با مفاهیم خواندنی دارند. بسیاری از کودکان با پیشینه تجربه بسیار غنی به برنامه‌های آموزشی اولیه راه می‌یابند. زیرا والدینشان برای آنها کتاب‌های زیادی خوانده‌اند، آنها را به گردش و مسافرت و مشاهده طبیعت و محیط پیرامون، دیدار دوستان و آشنایان برده‌اند. این کودکان از والدینی برخوردار بوده‌اند که با آنها ارتباط کلامی خوبی برقرار کرده‌اند و پرسش‌های آنها را بخوبی پاسخ داده‌اند و تجربیات خود را در هر زمینه به زبان ساده به آنها منتقل کرده‌اند (استرگنک، ۱۳۵۲).

منابع انگیزش خواندن

در یک جامعه باسواد و فرهنگی، مدارس مسؤل آموزش نحوه خواندن به کودکان هستند. به طور آشکار این یک نیاز اولیه مانند خوردن یا خوابیدن نیست، اگر چنین بود کار معلم‌ها نسبتاً آسان می‌شد و تمام کودکان برای بقا خواندن را یاد می‌گرفتند.



طبق یکی از مکاتب فکری، انسانها برای رقابت کردن با خود شکوفا شدن دارای یک نیاز اساسی هستند. رایت^۱ و مزلو^۲ علیرغم تفاوت‌های جزئی در نظریاتشان هر دو معتقدند که در درون انسانها نیرویی است که آنها را برای تسلط بر محیط‌شان به راه می‌اندازد. وایز^۳ به طور منطقی این نظریه‌ها را براساس پژوهشی در مورد نیاز به پیشرفت، به عنوان یک نیروی برانگیزنده رفتار انسان گروه‌بندی کرده است. عقاید و نظرات پیازه^۴ نیز کاملاً همسان با این مکتب فکری است. در اصل این متخصصان توافق دارند که کودکان مدام در تلاشند تا به دنیا و ساختار تعاملیشان معنا ببخشند.

دومین مکتب فکری توسط اسکینر^۵ و هول^۶ ارائه شد و بر اهمیت عوامل بیرونی به عنوان ابزارهای برانگیزنده تأکید می‌کند. معلمان در نقش کمانی هستند که اهداف را انتخاب و تعقیب می‌کنند و یک سیستم پاداش ایجاد می‌کنند. تا یادگیرندگان را به سوی این اهداف هدایت کنند. این معلم است که بر می‌انگیزد و کودک پاسخ می‌دهد. اهمیت آنچه که یادگرفته است، نسبت به مناسب بودن پاداش‌های ارائه شده، دارای اهمیت کمتری است (استیگر، ۱۳۷۰).

انگیزه‌های عادت

مشخص شده است که عادات از طریق تکرار برخی از اعمال که یک شرایط انگیزشی را ارضاء می‌کنند شکل می‌گیرد. هنگامی که عادت‌ها شکل گرفتند دیگر نیازی نیست که از سایر انگیزه انرژی‌شان را بگیرند، آنها خود توانایی کسب انرژی و دادن آنرا دارند. کودک بدین خاطر خواندن را یاد می‌گیرد که براساس نیازهای اساسی و شخصی برانگیخته شده است. بتدریج که در خواندن ماهر شد، خود خواندن یک نیروی انگیزش می‌شود (ایمن، ۱۳۶۳).

علاقه به خواندن و مطالعه

در اینجا باید دو مفهوم را که تا اندازه‌ای متمایز اما مرتبط با یکدیگرند را از هم جدا کنیم. این دو مفهوم عبارتند از: علاقه به خواندن و علائق خواندن، علائق آموخته می‌شوند و از تعامل نیازهای اساسی ما بوجود می‌آیند و ابزارهایی هستند که برای ارضاء کردن، آنها را کشف می‌کنیم. علاقه به خواندن نیز

شبه نحوه یادگیری خواندن است (تریلیز، ۱۳۷۴).

نگرش و علائق

نگرشها و علائق به طور تنگاتنگی با یکدیگر ارتباط دارند. نگرشها معرف گرایش‌های فطری کلی هستند و علائق خاص در این فضای وسیع عمل می‌کنند. گاهی اوقات علائق به عنوان نگرش‌های ثبت نسبت به اشیاء و یا طبقه‌ای از اشیاء که برای ما جذاب هستند تعریف می‌شود. ریاتر^۷ می‌گوید:

علاقه می‌تواند هم به عنوان صفت و هم نگرش طبقه‌بندی شود. تا حد زیادی بستگی به این دارد که آیا آن مرجع‌اش را وسیع یا محدود می‌کند یا نه. در هر صورت علائق پاسخ‌های آموخته شده‌ای هستند که ارگانسیم را در خطوط معینی از فعالیت قرار می‌دهند و به طور قطعی توجه را تسهیل می‌کنند.

علائق با معنا نیز ارتباط نزدیکی دارند. ارزش علاقه به یک شیء یا یک رویداد به طرز نزدیکی به معنایی که برای کودک دارد وابسته است. کتابی اگر معنایی نداشته باشد موجب نوع آشفتنگی ذهنی نمی‌شود و بنابراین علاقه‌ای را ایجاد نمی‌کند. یادگیری می‌تواند بوسیله اضطراب یا نیاز به دانستن برانگیخته شود. علاقه تنها از طریق چیزی که موجب آشفتنگی ذهن گردد ایجاد می‌شود (اینس، ۱۳۷۳).

تعیین‌کننده‌های علاقه به خواندن

هر یک از توانایی‌های ذهنی، حسی، جسمانی و محدودیت‌های آن در کودک منحصر بوده و هر کدام از اینها تعیین‌کننده‌های نیرومند علاقه هستند. تا اندازه‌ای الگوی علاقه کودک به واسطه ارزش جسمانی‌اش تعیین می‌شود. کودک چالاک و زیرک برای افزایش عزت نفس از رقابت جسمانی استفاده می‌کند. فقدان علاقه به خواندن ممکن است ناشی از خواندن ضعیف باشد ویتی^۸ (۱۹۴۲) با صد دختر و

1. Wright

2. Mezlow

3. Wise

4. Piaget

5. Skinner

6. Hawl

7. Reater

8. Whity or Wity



کودکان بازی کند.

مدارس نیز مانند کانال خاصی علائق ما را به سوی اهداف خاصی هدایت می‌کنند. به طور کلی مدارس بر نگرش‌های طبقه متوسط، ایده‌آل‌ها و استانداردها تأکید می‌کنند (اسمیت و دیچنت، ۱۹۶۲).

عوامل مؤثر بر علائق خواندن و مطالعه

غیر از محتوا و تم‌های مطالب خواندنی، عوامل دیگری نیز هستند که بر علاقه به خواندن تأثیر می‌گذارد. در این قسمت پاره‌ای از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر علاقه به مطالعه و خواندن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- انتخاب نوع و طول خطها: در اولین سال‌های

مطالعه و خواندن تمام کتابها باید به حروف درشت چاپ شوند. برای مثال سال اول مدرسه با قلم ۱۶، سال دوم با قلم ۱۴، و برای سال سوم و چهارم قلم ۱۲ مناسب است. این کار باعث آسانی حرکات معین چشم می‌شود. خطوط نیز باید تا حد ممکن کوتاه باشند. مهم است که در دو سال اول مدرسه مطالب به صورت واحدهای فکری مجزا چاپ شوند. هر خط باید شامل یک واحد جداگانه باشد تا کودک بتواند به آسانی روابط بین خطوط را بدست آورد. فضاهای بیشتر بین خطوط و تقسیم متن نیز تأثیر مثبت بر تمایل به خواندن دارند (بامبرگر، ۱۹۷۲).

در تحقیقی رنجگر (۱۳۷۶) تأثیر حروف چپایی ریز و درشت و سطح دشواری متن بر درک مطالب را نشان داد. در این تحقیق آزمودنی‌هایی که متن درشت و آسان را با هم خوانده بودند درک مطلب بیشتری نسبت به کسانی داشتند که متن دشوار را با حروف ریز یادداشت خوانده بودند.

۲- نقش اشکال و تصاویر: در کتاب‌های کودکان کودک

قبل از اینکه حروف را ببیند با تصاویر روبرو می‌شود. چون قبلاً یاد گرفته که از تصاویر معنا بگیرد، مطالب در خواندن و مطالعه ابتدایی باید دارای تصاویر زیادی باشند. تصاویر برای خوانندگان مبتدی و ضعیف جذابیت مضاعفی دارد. تصاویر

پسر در آزمایشگاه دانشگاه شمال غربی مطالعه‌ای را انجام داد. همه آزمودنی‌ها خوانندگان ضعیفی بودند، هشتاد و دو نفر فقدان علاقه به خواندن را نشان دادند و از اینها ۴۳ نفر خواندن را دوست نداشتند، و سایرین فاقد علاقه بودند. او برای خواندن کم به دلایلی دست یافت، از این گروه تنها ۱۴ نفر دارای اختلالات بینایی، ۳ نفر شنوایی پایین، و چهار نفر چپ دست بودند. رمیوتین^۱ (۱۹۳۲) عملکرد ۱۵۰ دانش‌آموز کلاس ششم را مطالعه کرد و بین توانایی و علاقه یک رابطه مشخص و اساسی پیدا کرد. علاقه بالا به یک موضوع معمولاً با توانایی بالا در آن موضوع ارتباط دارد. رنشتاین^۲ (۱۹۵۵) گزارش می‌کند که علاقه بالا به یک موضوع اغلب با درک مطلب بالا نیز مرتبط است.

اگر بخواهیم در کودکان علاقه به خواندن ایجاد کنیم باید برای آنها ادبیات مخصوص ایجاد کنیم. نورول^۳ (۱۹۴۶) بعد از ۱۲ سال مطالعه علاقه‌های کودکان، اظهار می‌کند که سه چهارم مطالب انتخابی برای خواندن که در مدارس بکار برده می‌شود باید جایش را به مطلب انتخابی دیگر بدهد (مدنی، ۱۳۷۵).

چندین مطالعه نشان داده‌اند که عوامل اجتماعی نیز در جهت‌دهی علاقه مهم هستند. برای مثال کاپلان^۴ (۱۹۴۶) گزارش می‌کند که ۴۵ نفر از دانشجویان دانشگاه آیداهو علاقه حرفه‌ای‌شان را از موضوعات مدرسه، ۴۳ نفر از والدین و دوستانشان، و ۳۶ نفر از افراد هم حرفه‌شان تأثیر پذیرفته‌اند، ۲۳ نفر نیز در حرفه انتخابی تجربه کاری داشتند، و ۲۷ نفر از معنم خود تأثیر گرفته‌اند. تأثیرات اجتماعی نیز از تعیین‌کننده‌های مهم انتخاب مطالب خواندن است. کنجکاوی کودک و گرایش به کشف کردن او را به کسب علائق خاصی رهنمون می‌کند. اما توانایی‌ها و ظرفیت‌های کودک در رشد علائق نقش مهمی ایفا می‌کنند.

همچنین عوامل فرهنگی نقش مهمی در تعیین علائق ایفا می‌کنند، ما از طریق عضویت در فرهنگ خاص به سوی علائق ویژه‌ای هدایت می‌شویم. وابستگی به فرهنگ، مذهب خاص و زندگی در یک کشور خاص ما را به اهداف خاصی سوق می‌دهد. تا حد زیادی جامعه تصمیم می‌گیرد که چه علائقی برای چه سن و جنسی مناسب است. فرهنگ جامعه نمی‌پذیرد که یک دختر ۱۶ ساله با عروسک و اسباب‌بازی‌های

1. Rimotin

2. Renstein

3. Norowell

4. Caplan



متن را تزیین می‌کنند، علاقه را بر می‌انگیزند به طوری که کودک با اشتیاق صفحات را ورق می‌زند و احساس می‌کند که به طور سریع در حال خواندن است.

تصاویر موجب می‌شوند که متن قابل درک باشد. اصول کلی راهنما در رابطه بین تصاویر و متن‌ها به صورت زیر است: الف) در کتاب‌های مصور ابتدایی که دارای متن (نوشته) است باید ۵۰٪ تا ۷۰٪ حجم کتاب به تصاویر اختصاص داده شود.

ب) در مرحله بعدی متن باید شامل ۵۰٪ تصویر و ۵۰٪ نوشته باشد ترجیحاً تصاویر درشت باشند.

ج) در سال‌های سوم و چهارم مدرسه تصاویر تنها ۲۵٪ متن را در بر بگیرند.

د) معمولاً بهتر است که بجای تعدادی تصاویر کوچک چند تصویر درشت در کتابها باشد. برای کودکانی که خوب می‌خوانند و خواندن را دوست دارند، نوع نوشته (خط) و تصاویر نقش کمتری دارد. این کودکان اغلب کتاب‌های دارای حروف ریز را می‌خوانند و همچنین کتاب‌های بدون تصویر را نیز ترجیح می‌دهند.

ه) بی‌تفاوتی به اندازه نوشته و تصویر، معیاری برای آمادگی خواندن، توانایی خواندن و علاقه به خواندن است.

۳) فرصت‌های خواندن و مطالعه یا دسترسی به کتابها: پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فرصت برای خواندن یا دسترس‌پذیری به کتاب‌ها در بیداری علاقه به مطالعه نقش مهمی را ایفا می‌کند. تعداد و نوع کتاب‌هایی که خواننده می‌شود تا حد زیادی بوسیله «محیط کتاب» خواننده تعیین می‌گردد. در اینجا کتاب‌ها و کتابخانه‌های مدارس نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

۴- زمان خواندن و مطالعه: برخی از افراد فرصت مطالعه دارند اما زمان و وقت مطالعه کردن ندارند. در کشورهایی که کودکان زیاد مطالعه می‌کنند برنامه‌های درس و تحصیلی برای خواندن ساعات زیادی را اختصاص داده است. به طور مثال در فرانسه در کلاس اول چهار روز در هفته و هر روز نیم ساعت به خواندن اختصاص داده شده است. در سال‌های بعدی زمان بیشتری به خواندن اختصاص داده می‌شود این کار در فرانسه بیشتر از کشورهای اروپای مرکزی

است. برای افزایش علاقه به خواندن باید کاری کرد تا کودکان در مدارس و خانه زمان بیشتری را به خواندن اختصاص بدهند اگر زمان خواندن به حال خود واگذار شود تلویزیون و سایر اشتغالات خودشان را جای خواهند داد.

۵- علائق خواندن و سطح دشواری متن: سطح دشواری متن یکی از متغیرهایی است که علاقه به مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین برای معلم‌ها این مسئله بسیار مهم است که مطالب مورد مطالعه را مناسب با توانایی کودک انتخاب کنند. این مسئله در مقوله خوانایی بودن می‌گنجد، هدف این نوع پژوهش‌ها این است که نشان دهد سطح دشواری متون خواندنی در میزان فهم آن متن تأثیر دارد (به طور مثال رنجگر ۱۳۷۶). این پژوهش‌ها از نقطه نظرات زیر پیروی می‌کنند:

الف) دشواری متن از نقطه نظر شکل: تعیین‌کننده‌ها عبارتند از: متوسط طول جمله، متوسط طول کلمه، فراوانی کلمه (با فراوانی واژگان تعیین می‌شود)، فراوانی تکرار کلمه (معیاری برای آسانی متن)؛

ب) دشواری متن در ارتباط با محتوا تنها می‌تواند دریافت مرحله‌ای از تعلیم و تربیت که خواننده در آن است تعیین گردد. نه تنها آموزش رسمی بلکه علاقه کودک به موضوع‌های خاص در این جا نقش ایفا می‌کند. برای مثال خوانندگانی که علاقمند به کتاب‌های تاریخی هستند می‌توانند کارهای (کتابها) دشوارتر را با لذت انجام دهند؛

ج) جذابیت هیجانی متن یا عناصر انسانی: پژوهش‌های انجام شده در باب تأثیر خواندن خوب در ایالات متحده، آلمان و اطریش نشان داده‌اند که ویژگی‌های خاصی از مطالب خواندنی، به طور خاصی در انگیزش خواندن و همینطور بر خواندن تأثیر می‌گذارند.

راه‌های رشد علاقه به مطالعه و خواندن

ژاکوب^۱ (۱۹۵۶) اظهار می‌دارد که معلم‌ها می‌توانند از طریق شیوه‌هایی که در زیر می‌آید علاقه به مطالعه را در کودکان ارتقاء دهند:

1. Jakob



معلم می‌تواند انجام دهد خواندن کتاب با صدای بلند برای کودکان است. این کار باعث می‌شود تا علاقه کودکان برانگیخته شود.

۲- نگاه کردن به فیلم: اکثر ما در تلویزیون، تئاتر یا سینما فیلم‌هایی دیده‌ایم که براساس کتاب‌های خاصی نوشته شده‌اند. سپس سعی کرده‌ایم این کتابها را نیز بخوانیم. یکی از راه‌های ترویج علاقه به مطالعه و انگیزه این است که کودکان فیلمی مثل «باخانمان» را دیده و سپس کتاب آنرا بخوانند و بعداً به صورت پانل در مورد آن بحث کنند.

۳- نشان دادن شواهدی از کتاب‌خوانی: هیلریش^۱ از طریق تهیه بروشوری تحت عنوان «۵۰ شیوه برای مطالعه زیاده» شیوه‌های متعددی را جهت ترغیب کودکان به خواندن توصیف می‌کند. عنوان بروشور اشاره به یک نوع فعالیت دارد که شواهد قابل مشاهده‌ای از جریان خواندن در کلاس درس فراهم می‌کند. در این روش برش‌هایی از کاغذهای رنگی تهیه و روی دیوار کلاس درس چسبانده می‌شود و روی هر برش عنوان یک کتاب و اسم کودکی که باید بخواند نوشته شده است. این روش تا زمان اتمام کتاب و نصب اسامی جدید کتاب‌ها ادامه می‌یابد.

۴- گسترش فعالیت‌های تبلیغاتی: یکی از ارزش‌های مهم بهره‌بردن از کتاب این است که در دانش‌آموزان از طریق توصیه‌های همسالان علاقه به خواندن ایجاد شود. دانش‌آموزان می‌توانند واکنش‌هایشان به کتاب را به شیوه‌های متعددی از جمله: نمایش، در محل کار، گزارش‌های شفاهی یا کتبی و غیره نشان دهند. یکی از ابزارهایی که به نظر می‌رسد دانش‌آموزان از آن لذت می‌برند عبارت است از: فعالیت تبلیغاتی که دیگران را به خواندن کتاب ترغیب می‌کند.

۵- استفاده از کتاب‌های فکاهی: ترغیب به استفاده از کتاب‌های فکاهی در مدرسه در وهله اول ممکن است به نظر عجیب و غریب برسد. اغلب کتاب‌های فکاهی به طور مستقیم با کتاب‌های تجاری رقابت می‌کنند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا در این مبحث باید از کتاب‌های فکاهی نام ببریم. دلیل اول این است که این کتاب‌ها وجود

۱- مجموعه‌ای جذاب و معقول از مطالب و موضوعات خواندنی که از نظر محتوا، شکل و خوانایی مناسب گروه خاصی از کودکان است در اختیار آنها قرار دهند.

۲- به کودکی که نمی‌تواند محتوای مطالب خواندنی را پیدا کند و در مقابل آن ابا دارد کمک کنند.

۳- کودکان را تشویق کنند تا برداشت‌های خود از خواندن را با دیگران در میان بگذارند.

۴- تجارب خواندن در مدرسه را به سایر هنرهای ارتباطی به ویژه تلویزیون، رادیو، نساویر، محرک، نوارهای ضبط صوت، فکاهی‌ها و روزنامه‌ها مرتبط سازند.

۵- برای کودکان کتاب و مطالب بخوانند.

۶- برای کودکان فهرستی از کتاب‌های خواندنی در موضوعات مرتبط به روابط انسانی یا رشد شخصیت که از نظر محتوا و علاقه‌های خاص مناسب آنهاست تهیه کنند.

۷- کودکان را ترغیب کنند تا آنچه را که می‌خوانند به سایر اشکال نمادین تعبیر و تفسیر کنند، مانند: درام‌ها، نقاشی، مجسمه‌سازی، نمایش عروسکی و غیره.

۸- از تسهیلات نمایشگاه‌های کتاب‌های گسترش آگاهی کودکان و از تنوع وسیع دسترسی به مطالب خواندنی استفاده کنند.

۹- سوابق غیررسمی از مطالعه آزاد کودکان در دست داشته باشند.

۱۰- تنها از آن دسته روشها استفاده کنند که به طور عینی به کودک کمک می‌کند تا به طور واقع‌گرایانه‌ای دستاوردهای مطالعه کنونی‌اش و وقفه‌های آن و برای هر چه بیشتر ماهر شدن در مطالعه ارزیابی کند (اسمیت و دیچنت، ۱۹۶۲).

راهبردهای ایجاد و افزایش انگیزه خواندن و مطالعه

آنچه که در زیر می‌آید خلاصه‌ای از راهبردهایی است که معلم می‌تواند برای تشویق کودکان به خواندن به کار برد. با این وجود معنم باید در خاطر داشته باشد که انگیزش نهایی از سوی یادگیرندگان است. این مهم است که خوانندگان و کودکان خارج از موقعیت مدرسه خوانندگان معتادی باشند.

۱- خواندن با صدای بلند: یکی از فعالیت‌های ساده که

1. Hillarisch



دارند، نادیده گرفتن این کتاب‌ها و نام بردن از آنها بخاطر کم‌ارزشی، انکار کردن وجود آنهاست. علیرغم مقاومتی که معلم‌ها می‌کنند این نوع کتاب‌ها توسط میلیون‌ها کودک خوانده می‌شود.

دلیل دوم استفاده از کتاب‌های فکاهی در مدرسه این است که برای خواندن آسان هستند و از این رو به کسانی که خوانندگان اصلاحی یا بی‌میل هستند احساس موفقیت می‌دهد. گذر از خواندن کتاب‌های فکاهی به کتاب‌های تجاری در نظر اول ناگهانی نیست. دانش‌آموزانی که کتاب‌های فکاهی خوانده‌اند می‌توانند کتاب‌های کوتاه، دارای جذابیت و با علاقه بالا و کم‌واژه را نیز بخوانند. موضوعات مرجع علاقه شخصی در کتاب‌های فکاهی می‌تواند در انواع کتاب‌هایی که مقابل کتاب‌های فکاهی هستند منعکس گردد.

۶- استفاده از بازی برای ایجاد انگیزه خواندن، کودکان تمام سنین از بازی کردن لذت می‌برند. در سال‌های اخیر به طور خاصی بازی‌های الکترونیکی رواج یافته است. نویسندگانی چون دانیلز^۱ (۱۹۷۱)، کلیر^۲ (۱۹۷۸)، واگنر و هوسیر^۳ (۱۹۷۰)، واسپاچ^۴ (۱۹۷۶) شیوه‌هایی را توصیف کرده‌اند که می‌توان از بازیها در برنامه‌های درسی استفاده کرد. به طور مثال بسیاری از بازیها مقدار محدودی خواندنی دارند از قبیل: خواندن دستورالعمل بازیها، خواندن عنوان‌های بازی. شیوه دوم استفاده از بازیها در خواندن این است که بازی‌هایی وجود دارند که برای خواندن طراحی شده‌اند، از آن جمله می‌توان شناسایی کلمه را نام برد (هارلوک، ۱۳۶۴).

راههای ایجاد عادت به مطالعه

پس از بیان و بررسی اهمیت مطالعه، مسئله مهم دیگر، شناخت اهمیت این امر در جامعه می‌باشد: آیا مربیان و خانواده‌ها خودشان مطالعه می‌کنند؟ و آیا راههای تشویق کردن کودکان به مطالعه را می‌دانند؟ اطلاع این افراد نسبت به اهمیت مطالعه چه تأثیری در ایجاد این عادت دارد؟ باید دید نقش مطالعه در ایجاد علاقه و تشویق کودکان به مطالعه چقدر است (شورای کتاب کودک، ۱۳۵۶).

سازمان ملل متحد به مناسبت سال جهانی خانواده‌ها در مورد راههای ایجاد عادت به مطالعه چنین نوشته است

(پژوهشنامه، ۱۳۷۴).

۱- باید از گهواره و با لالایی آغاز کنیم و گوش فرزندانمان را با این اولین شکل ادبیات که انتقال دهنده جهت و ایجاد کننده احساس امنیت است نوازش دهیم.

۲- آنگاه که فرزندانمان نیازمند کسب تجربه‌های حسی و حرکتی هستند از پهنه بازی‌های عامیانه که همراه با ترانه و کلام هستند سود بجوییم. زیرا این بازی‌های قومی که ریشه در ادبیات دارند، هم جسمشان را پرورش می‌دهد و هم موسیقی کلام را در جانشان می‌نشانند.

۳- با آغاز تمرین زبان‌آموزی که ابتدا با شناخت آواها همراه است، با اشعار آهنگینی که در همه فرهنگها وجود دارد و بی‌آنکه معنای کلمه‌ها اهمیت داشته باشد، بر پایه اصوات هر زبان به آنها کمک کنیم تا صداها را که پایه‌های زبان را تشکیل می‌دهند درک کنند.

۴- زمانی که تخیل آنها قوت می‌گیرد و شروع به خیال‌پردازی و همزادپنداری می‌کنند پهنه قصه‌های شگفت‌انگیز قومی را به روی آنها بکشاییم و بدین‌وسیله پیوند آنها را با فرهنگ سرزمینشان مستحکم سازیم و نیروی تخیل آنها را پرورش دهیم.

۵- زمانی که اولین نشانه‌های تفکر کودکان در آنها ظاهر می‌شود، می‌پرسند و می‌خواهند بدانند، کتاب‌هایی را که ممکن است به صورت‌های گوناگون به شکل‌گیری تفکر آنها کمک کند، وارد زندگی ایشان کنیم. در برابر کتاب‌های تصویری تردید نکنیم، همیشه متن انتقال دهنده اطلاعات و آگاهی نیست. کتاب‌های تصویری خوب در رابطه با کودکانی که هنوز خواندن را نیاموخته‌اند بسیار قویتر از کتاب‌های دیگر عمل می‌کند. کودک ابتدا تصویرها را می‌خواند و برای خود تصور می‌کند تا بعد بتواند با متن نیز چنین کند.

۶- سعی کنیم بین تمام فعالیت‌های زندگی آنها جایی را هم برای خواندن باز کنیم.

۷- در اولین سال‌های مدرسه که شوق خواندن وجود دارد، دست کم برای آنها یک مجله خوب و مناسب انتخاب

1. Daniels

2. Kaller

3. Wagner and Hosenar

4. Vesphage



۱۳- هنلاک، آن. *برنامه‌ریزی تلویزیون آموزشی*. مترجم محبوبه مهاجر. تهران: سروش، ۱۳۶۸.

14- Bamberger, Richard (1970). *Promoting the Reading Habit Parige Unesco*.

15- Smith, Henry. P. Dechant, Emea - r (1962). *Psychology in Teaching Reading*. N.J. by Prentice Hall inc.

کنیم تا بنا بر توالی زمان انتشار، برای مطالعه آن روزشماری کنند و پس از پایان انتظار، آن را با لذت بخوانند.

۸- ضرورت زندگی امروز سبب شده کودکان همراه با بزرگسالان به همه جا سر بزنند. کتابفروشی‌ها و نمایشگاه‌های دائمی و فصلی کتاب را هم به فهرست مکان‌های خود اضافه کنیم و به آنها اجازه بدهیم در میان کتاب‌های بی‌شمار و گوناگون سیر کنند و سرانجام با کمک ما کتاب‌های مناسب خود را برگزینند.

۹- سعی کنیم کودکان را در یک کتابخانه عضو کنیم، تا اگر نتوانستیم برای آنها خرید کتاب را انجام دهیم نیازهای کودکان از طریق کتابخانه‌ها برآورده شود.

۱۰- در برنامه‌های درسی آنها ساعتی را به عنوان ساعت مطالعه آزاد در برنامه درسی آنان وارد کنیم (مفتخر، ۱۳۵۲).



منابع

- ۱- استگرانگ، ال. ای. بی. *خواندن به قصد لذت*. ترجمه عباس حری. تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۲.
- ۲- استیگر، رالف، سی. *راههای تشویق به مطالعه*. مترجم پروانه سپرده. تهران: دبیرخانه هیأت امانت کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۰.
- ۳- ایمن، لیلی. *گذری در ادبیات کودکان*. تهران: شورای کتاب کودک، ۱۳۶۳.
- ۴- اپنس، لینر. *فن مطالعه*. ترجمه علی صلح‌جو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۵- پارسا، محمد. *زمینه روانشناسی*. تهران: پیوند، ۱۳۶۵.
- ۶- پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، سال اول، شماره ۲، ۱۳۷۴.
- ۷- تربیز، جیم. *ساده، اما سرنوشت‌ساز*. ارائه یک دیدگاه نوین درباره ایجاد عادت به مطالعه در کودکان. نشریه عنوان، شماره ۲۲، ۱۳۷۴.
- ۸- مدنی، خدیجه. بررسی میزان علاقه به مطالعه در دوران کودکی و نقش آن در عادت به مطالعه میان دانشجویان دانشگاه‌های مستقر در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۹- مفتخر، مریم. *تحقیقی درباره عادات مطالعه جوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۲.
- ۱۰- نگاهی درباره ادبیات کودکان، تهران: شورای کتاب کودک، ۱۳۵۶.
- ۱۱- هارلوک، الیزابت، بازی. ترجمه وحید رواندوست. تهران: انتشارات بوش، ۱۳۶۴.
- ۱۲- هرگنهان، بی. آر. *نظریه‌های یادگیری*. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.